

دعای راهبردی:

شرحی بر آیه شریفه «رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ»^۱

فرج الله میر عرب*

اشاره

«دعا» نقشی بنیادین در زندگی انسان دارد. خدای متعال می‌فرماید: «قُلْ مَا يَعْبُوْهُ بِكُمْ رَبِّيْ لَوْ لَا دُعَاؤُكُمْ...»^۲ بگو اگر دعای شما نباشد، پروردگارم برای شما ارجی قائل نیست...». دعاها به لحاظ سطح معنوی و تأثیرگذاری، متفاوت هستند؛ بر همین اساس دعاهایی که با مشکلات و مسائل جامعه انسانی به‌ویژه مسائل حیاتی جامعه مرتبط هستند، از جایگاه برتری برخوردارند؛ تا جایی که برخی از دعاها نقش راهبردی و سرنوشت‌ساز دارند. نمونه این دعاها، دعا برای آرامش و سکینه یک ملت، دعا برای صبر جامعه گرفتار جنگ و دعا برای ثبات قدم یک ملت تا رسیدن به اهداف و پیروزی بر دشمن است.

خدای متعال در سوره «بقره»، داستان بسیار عبرت‌آموز قومی از بنی‌اسرائیل را نقل می‌کند. این قوم بر اثر ظلم از سرزمین خود آواره شده بودند؛ آنان پیامبری به نام اشموئیل داشتند. این قوم از وضع خودشان به پیامبرشان شکایت کردند و درخواست فرماندهی برای آنان تعیین کند تا تحت فرمان او با دشمنان خود بجنگند و از آوارگی نجات یابند. پیامبرشان که از واقعیت درونی و احوالات آنان باخبر بود، گفت: آیا احتمال نمی‌دهید اگر فرمان جنگ صادر شود، سر به نافرمانی بردارید؟ آن قوم خیلی محکم ادعا کردند که چرا نجنگیم؟ حضرت اشموئیل جوانی به نام طالوت را برای فرماندهی و تشکیل سپاه معرفی کرد.^۳ این داستان که حقیقتی تاریخی را بیان

۱. بقره: ۲۵۰.

* دانشیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

۲. فرقان: ۷۷.

۳. بقره: ۲۴۶ - ۲۵۱.

می‌کند، بسیار عبرت‌آموز است و درسی برای همیشه تاریخ و برای ما مسلمانان دارد. دعایی که این نوشتار به اختصار بدان خواهد پرداخت، ضمن داستان فرماندهی طالوت مطرح شده است.

معنای واژگان راهبردی در آیات مربوطه

۱. سکینه: این واژه از «سَکَنَ» به معنای آرامش یافتن و هر چیزی است که موجب آرامش باشد، مانند خانه. خدای تعالی می‌فرماید: «وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ بُيُوتِكُمْ سَكَنًا»^۱ خدا خانه‌های شما را سبب آرامش قرار داد». همچنین در دعای پیامبر ﷺ برای مؤمنان آمده است: «إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ»^۲ دعا و صلوات تو ای پیامبر سبب آرامش آنان است»^۳. راغب اصفهانی می‌گوید «سَكِينَةٌ» در آیه ۲۴۸ «بقره» به معنای از بین رفتن رعب و ترس است.^۴ آیت‌الله مکارم شیرازی در همین مورد می‌نویسد: «منظور از سکینه در اینجا، آرامش دل و جان است»^۵.

۲. صبر: این واژه که در قرآن فراوان به کار رفته است، به معنای خویشتن‌داری و تحمل سختی‌ها و تنگناهای زندگی^۶ اعم از فردی، اجتماعی، اقتصادی، نظامی و ... است. صبر در موارد متعددی کاربرد دارد: الف) صبر در مصیبت: «وَالصَّابِرِينَ عَلَى مَا أَصَابَهُمْ»^۷ ب) صبر در جنگ و محاربه: «وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَاءِ»^۸ و موارد دیگر مانند صبر بر معصیت و صبر بر طاعت.

۳. ثبات‌قدم: «ثبات» به معنای پایداری و ضد نابودی و زوال و تزلزل است. خدای تعالی می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ فِئَةً فَاثْبُتُوا»^۹ ای مؤمنان، هرگاه با گروهی از دشمنان برخورد کردید، پایداری کنید و متزلزل نشوید». بر همین اساس خدای تعالی به پیامبر ﷺ می‌فرماید: «وَلَوْ لَا أَنْ تَثْبُتَنَّا»^{۱۰} اگر ما تو را پایدار نمی‌کردیم، [متزلزل می‌شدی].

۱. نحل: ۸۰.

۲. توبه: ۱۰۳.

۳. حسین راغب اصفهانی، مفردات، ص ۴۱۷.

۴. همان.

۵. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۲۴۰-۲۴۱.

۶. حسین راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ص ۴۷۴.

۷. حج: ۳۵.

۸. بقره: ۱۷۷.

۹. انفال: ۴۵.

۱۰. اسراء: ۷۴.

شرحی بر آیه شریفه «رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَثَبِّتْ أقدامَنَا وَأَنْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ» ■ ۲۰۵

۴. نصرت: نصرت به مفهوم یاری و کمک است.^۱ درخواست کمک و یاری وقتی پس از آرامش، صبر و پایداری باشد، به یقین برای رسیدن به پیروزی است و اگر درخواست با اعتقاد راسخ به ربوبیت خدا شد، پیروزی به دنبال دارد.

ضرورت اطاعت از رهبری برای تشکیل سپاه کارآمد

پیامبر بنی اسرائیل در آغاز آیات ۲۴۶ تا ۲۵۱ سوره «بقره»، می‌کوشد اطمینان یابد قومش از فرمانده تعیین شده از سوی خدا اطاعت کامل می‌کنند یا نه. جناب طالوت نیز که فرمانده شده بود، برای امتحان نیروهایش در مورد میزان اطاعت، آزمونی برگزار کرد. نیروهای لشکر که تشنه شده بودند، وقتی به نهر آبی رسیدند، طالوت به آنان گفت: «إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ بِنَهَرٍ فَمَنْ شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ مِنِّي وَمَنْ لَمْ يَطْعَمْهُ فَإِنَّهُ مِنِّي إِلَّا مَنْ اغْتَرَفَ غُرْفَةً بِيَدِهِ: خداوند شما را به وسیله نهر آب آزمایش می‌کند؛ آنها که از آن بنوشند، از من نیستند؛ و آنها که ننوشند، از من هستند، البته اگر به اندازه کف دستی بنوشند، اشکالی ندارد». بیشتر سپاه تشنگی را تحمل نکردند و از آن نهر نوشیدند و فقط گروه کوچکی در امتحان قبول شدند. بیشتر بنی اسرائیل بر تشنگی صبر نکردند؛ از این رو طبیعی است که چنین نیرویی هنگام شدت جنگ قابل اعتماد نیست. از امام صادق علیه السلام نقل شده است که آن جمعیت اندک از سپاه طالوت که حتی یک کف دست نیز آب ننوشیدند، ۳۱۳ نفر بودند: «الْقَلِيلُ الَّذِينَ لَمْ يَشْرَبُوا وَلَمْ يَغْتَرِفُوا ثَلَاثَةَ مِائَةٍ وَثَلَاثَةَ عَشَرَ رَجُلًا...».^۲

وقتی سپاه از نهر گذشتند و به سپاه جالوت رسیدند، کسانی که آب نوشیده بودند، گفتند: «لَا طَاقَةَ لَنَا الْيَوْمَ بِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ: ما تاب مبارزه با جالوت و سپاهیان را نداریم»؛ ولی آن ۳۱۳ نفر که از دستور اطاعت و بر تشنگی صبر کردند، گفتند: «رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَثَبِّتْ أقدامَنَا وَأَنْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ: پروردگارا! پیمانۀ شکیبایی و استقامت را بر ما بریز! و قدم‌های ما را ثابت بدار! و ما را بر جمعیت کافران، پیروز بگردان».^۳

مشابه همین جریان در زمان حکومت امیرالمؤمنین علیه السلام اتفاق افتاد. امام علیه السلام سپاهیان برای نبرد با فتنه‌گران جَمَل گرد آورد و به آنان فرمود: «من شما را به میدان نبرد می‌برم؛ اگر از من اطاعت کنید، در مسیر نجات خواهید بود، گرچه در اطاعت مشقت و سختی‌های شدید و

۱. حسین راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ص ۸۰۸.

۲. محمد بن شاه مرتضی فیض کاشانی، تفسیر الصافی، ج ۱، ص ۲۷۸.

۳. عبدعلی بن جمعه عروسی حویزی، تفسیر نور الثقلین، ج ۱، ص ۲۴۸.

تلخی‌های بسیاری باشد. دنیا خیلی شیرین است، البته برای کسی که گولش را بخورد و نفهمد که با فاصله اندکی نتیجه‌اش سنگدلی و پشیمانی است». سپس امام علیه السلام ماجرای بنی اسرائیل را به نیروهای خود تذکر داد: «إِنِّي أَخْبَرُكُمْ أَنَّ جِيلًا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَمَرَهُمْ نَبِيُّهُمْ أَنْ لَا يَشْرَبُوا مِنَ النَّهْرِ فَلَجُّوا فِي تَرْكِ أَمْرِه فَشَرِبُوا مِنْهُ إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ فَكُونُوا رَحِمَكُمُ اللَّهُ مِنْ أَوْلِيكَ الَّذِينَ أَطَاعُوا نَبِيَّهُمْ وَلَمْ يَعْصُوا رَبَّهُمْ»^۱ من به شما خبر می‌دهم که گروهی از بنی اسرائیل، پیامبرشان به آنان دستور داد که از نهر آب ننوشند، آنان در ترک دستور او لجاجت کردند و جز تعداد اندکی از آن آب نوشیدند. پس ای سپاهیان من، خدا شما را مورد رحمت خود قرار دهد؛ از آنهایی باشید که از پیامبرشان اطاعت کردند و خدای خود را نافرمانی نکردند».

آیت‌الله جوادی آملی در توضیح حدیث امیرالمؤمنین علیه السلام نوشته است:

استشهاد امیرمؤمنان علیه السلام به این آیه برای تشویق مردم زمانش به پیروی از آن حضرت، گویای این حقیقت است که داستان‌های قرآن همواره عبرت‌آموز و راهگشاست. همان‌گونه که نقل داستان بنی اسرائیل در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای عبرت‌آموزی مؤمنان و تشویق مجاهدان به جهاد فی سبیل الله بود. در زمان حضرت علی علیه السلام و در همه ادوار پس از ایشان نیز باید چنین باشد.^۲

نیاز سپاهیان و فرماندهی به دعا هنگامه نبرد

دعا به معنای اظهار نیاز و درخواست رفع نیاز به درگاه بی‌نیاز و قدرت مطلق است. مقربان درگاه الهی که نیازمندی خود به خدای متعال را خوب درک می‌کردند، همواره دستشان به درگاه خدا دراز بود، به‌ویژه در مواقع خطر مانند جنگ. به نقل از امام علی علیه السلام آمده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله هرگاه با دشمن روبرو می‌شد، دست به دعا برمی‌داشت و به خدای خود عرض می‌کرد: «اللَّهُمَّ أَنْتَ عَظْدِي وَنَصِيرِي، بِكَ أَخُولُ، وَبِكَ أَصُولُ، وَبِكَ أَقَاتِلُ»^۳ خدایا، تو پشتیبان و یاور منی؛ از تو نیرو می‌گیرم و با یاری تو حمله می‌برم و با کمک تو می‌جنگم».

عبدالله بن میمون قداح نیز از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند: «امیرالمؤمنین علیه السلام همیشه در

۱. همان، ص ۲۴۹.

۲. عبدالله جوادی آملی، تسنیم، ج ۱۱، ص ۶۹۱.

۳. سلیمان بن اشعث، سنن أبی داوود، ج ۳، ص ۲۶۳۲.

شرحی بر آیه شریفه «رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ» ■ ۲۰۷

هنگامه نبرد با خدا رازون نیاز می‌کرد و به درگاه الهی عرض حاجت داشت.^۱

یاد خدا و دعا، عامل اساسی شناخت قدرت الهی

دعای طالبان که قبل از شروع جنگ اظهار شده است و نه در اثنای جنگ و بر اثر خستگی، نشان می‌دهد که آنان هرگز توان خود یا رهبری طالوت را شریک قدرت بی‌کران خداوند قرار نداده بودند و پیروزی را تنها در سایه اعطای صبر و پایداری از جانب خداوند می‌طلبیدند. اصولاً انسان موحد هرچند که از عده و عده برخوردار باشد، باید پیش از حضور در صحنه و نیز در معرکه جنگ به خدای یگانه تکیه کند و از او یاری بخواهد. این یک وظیفه عام نظامی است؛ چنان‌که خداوند در قرآن کریم دستور می‌دهد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ فِئَةً فَاثْبُتُوا وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا»^۲ ای کسانی ایمان آورده‌اید، هنگامی که گروهی از دشمن برخورد کرد، استوار باشید و زیاد خدا را یاد کنید». دعا بهترین نوع یاد خداست؛ زیرا اظهار ضعف و فقر به درگاه قوی و بی‌نیاز مطلق است.

مجاهد مؤمن می‌داند که خدا برای یاری او ابزارهای متنوعی دارد؛ گاهی نصرت الهی با ایجاد رعب و انداختن ترس از مجاهدان در راه حق در دل‌های معاندان است و زمانی به ایجاد اختلاف رأی در میان سران دشمن یا انداختن نقشه‌های غلط در ذهن طراحان جنگ دشمن و اشکال مختلف دیگر. بنابراین مجاهد مطیع رهبری همواره صبر، ثبات قدم و نصر و پیروزی را از خدا می‌خواهد. مجاهدی که صبر پیشه کند و خواهش نفس خود را مهار گرداند، به یاری خدا به صبر کامل می‌رسد که زمینه‌ساز رسیدن به «احدی الحُسَینین: پیروزی یا شهادت» است.^۳

راز درخواست صبر از خداوند

وفاداران به طالوت و مطیعان فرمان رهبری - کسانی که اصلاً آب نوشیدند یا فقط کف‌دستی که مجاز بود را نوشیدند - همان‌ها که به اصل همراهی خداوند با صابران اعتقاد داشتند و آن را اعلام کردند، هنگام رویارویی با جالوتیان به خداوند عرض کردند که خدایا تو با صابران هستی؛ ولی صبر را چگونه به دست آوریم و چگونه صبور بمانیم؟ رزمندگان مؤمن که نیک می‌دانستند صبر، نجات‌بخش هدیه‌ای الهی است و انسان که موجودی ضعیف است، با تکیه بر خود

۱. محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۱۳۷.

۲. انفال: ۴۵.

۳. عبدالله جوادی آملی، تسنیم، ج ۱۱، ص ۶۹۶.

نمی‌تواند صبری کارساز داشته باشد، دست به دعا برداشتند و از خداوند خواستند صبر را ظرف جانشان را پر از صبر کند تا از هرگونه اضطراب ایمن باشند: «رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا». آیت‌الله جوادی نکته بسیار مهمی درباره صبر تذکر می‌دهند و می‌نویسند: «چون نعمت صبر هدیه الهی است، کسی نمی‌تواند بگوید من خودم صبر کردم و خدا به وعده‌اش عمل کرد و مرا پیروز کرد، بلکه صبر نیز از سوی خداوند عطا می‌شود و باید از او صبر خواست. بنابراین انسان باید همواره خود را بدهکار خداوند بداند؛ زیرا هیچ خیری نیست، مگر از او و هیچ راه نجاتی نیست، مگر از ناحیه او و این حصر حقیقی است نه اضافی. چنان‌که امام سجاد علیه السلام به درگاه الهی عرض می‌کند: "مِنْ أَيْنَ لِيَ الْخَيْرِ يَا رَبِّ وَلَا يَوْجَدُ إِلَّا مِنْ عِنْدِكَ؟ وَمِنْ أَيْنَ لِيَ النَّجَاةُ وَلَا تُسْتَطَاعُ إِلَّا بِكَ: ۱ پروردگارا، از کجا برایم خیری خواهد بود، درحالی که جز نزد تو یافت نمی‌شود و از کجا برایم راه نجاتی هست، درحالی که جز به یاری تو توان نجات نیست". ۲»

صبر بسیار، تقاضای سپاهیان مؤمن و مطیع

سپاهیان که تشنگی را تحمل کردند و مطیع طالوت بودند، پس از عبور از نهر آب و رودرویی با سپاه دشمن دست به دعا برداشتند و به پروردگار خویش که او را همراه و یاور صابران می‌دانستند، عرض کردند: «رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَ ثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَ انْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ». «افراغ» به معنای خالی کردن ظرف پُر در ظرف دیگر یا ریختن آن روی چیز دیگر است. رزمندگان مؤمن که تعدادشان اندک بود، خود را نیازمند یاری خدا برای تحمل سختی جنگ می‌دانستند؛ از این‌رو از خدای متعال تقاضای فروریختن صبر بسیار از خزانه آن در ظرف وجودشان می‌کنند. آیت‌الله جوادی آملی در تفسیر آیه می‌فرماید:

آمدن افراغ با حرف "علی" دلالت دارد که چیزی از بالا بر سر چیزی خالی می‌شود. بر این اساس، گویا صبر در ظرفی قرار دارد و همه آن بر مبارزان ریخته می‌شود؛ به طوری که ظرف قبلی فارغ و خالی می‌گردد. این بیان، رساترین تعبیر در مقام درخواست صبر است؛ یعنی خدایا صبری به ما بده که بر همه ظاهر و باطن ما چیره گردد. ۳ چنین صبر گسترده و فراگیر سبب می‌شود که شخص واجد آن به وصف ممتاز "صَبَّار" متصف

۱. شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، دعای ابوحمزه ثمالی.

۲. عبدالله جوادی آملی، تسنیم، ج ۱۱، ص ۶۹۵.

۳. حسن مصطفوی، التحقيق، ج ۹، ص ۶۹، فرغ.

شرحی بر آیه شریفه «رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ» ■ ۲۰۹

شود. برای نبرد با ارتش جرّار و خونریز مهاجم، صباربودن لازم است.^۱ این نیروهای مطیع فرمانده کل قوا پس از درخواست صبر، به پروردگار خود عرض می‌کنند: «ثَبِّتْ أَقْدَامَنَا». راغب اصفهانی می‌نویسد: «ثَبَّت، ضدّ زوال و لغزیدن و به معنای پایداری است؛ البته رزمندگان گفتند "ثَبِّتْ أَقْدَامَنَا"؛ مصدر ثَبَّت، تثبیت است که به معنای تقویت ثبات و شدت آن است».^۲ پس «ثَبِّتْ أَقْدَامَنَا»، یعنی خدایا خودت که یار و کمک صابران هستی، ثبات قدم ما را تقویت و تشدید کن. آنان که خداشناس بودند، به خود مغرور نبودند و نمی‌گفتند ما محکم و استواریم، بلکه به خدا عرض می‌کنند تو قدم‌های ما را محکم کن تا بتوانیم بر عهد خود بمانیم و به دشمن پشت نکنیم.

شمار اندک نیروهای سپاه طالوت که لب با آب تر نکردند، در مواجهه با سپاه کفر نه تنها از کمی نفرات خود نهراسیدند، بلکه گفتند: بسا گروهی اندک که به اذن خداوند با پایمردی بر سپاه عظیم چیره شدند؛ آن‌گاه از خدا صبر، استقامت و ثبات قدم در برابر لشکر کفر طلبیدند.^۳

صبر و ثبات قدم نیاز راهبردی برای پیروزی

استاد فرزانه آیت‌الله جوادی آملی درباره جایگاه صبر و ثبات قدم و نقش راهبردی این دو عنصر در زندگی مؤمنان می‌فرماید:

اگر دل و جان مسلمانی آکنده از صبر شد، آن هم صبری که خدا در وجودش ریخته، سبب می‌شود که وسوسه به دل راه نیابد؛ زیرا صبر فراوان تمام صحنه دل را اشغال می‌کند و جایی برای وهم، خیال و وسوسه نمی‌گذارد و در پی آن ثبات قدم پدید می‌آید؛ از این رو طالوتیان در دعای دوم خود از پروردگارشان ثبات قدم را درخواست کردند: "وَتَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا". ثمره استوارگامی، پیروزی بر دشمنان است؛ از این جهت یاران طالوت در ادامه دعا نصرت الهی و ظفر بر جالوتیان کافر را خواستار شدند: "وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ"، بنابراین دعا‌های سه‌گانه طالوتیان دعا‌هایی منسجم و در پی یکدیگر است. صبر به تنهایی پیروزی‌آور نیست، بلکه انسان صابر باید ثبات قدم نیز داشته باشد، وگرنه انسانی ساکت است نه صابر. صابر کسی است که در متن حادثه حضور دارد و مشکل را لمس می‌کند. او صحنه را ترک نمی‌کند. اثر چنین صبری،

۱. عبدالله جوادی آملی، تسنیم، ج ۱۱، ص ۶۹۳.

۲. حسین راغب اصفهانی، المفردات، ص ۱۷۱.

۳. عبدالله جوادی آملی، تسنیم، ج ۱۱، ص ۶۹۰.

ثبات‌قدم است و ثبات‌قدم نیز پیروزی را در پی دارد.^۱

این حقیقت به ما می‌آموزد که باید مقدمات پیروزی به طور منسجم در زندگی ما حاصل شود تا نتیجه مطلوب به دست آید؛ زیرا همان‌طور که پیروزی بر خصم مهاجم صبر تام می‌خواهد، استقامت تا مرز شهادت و تسلیم‌نشدن در برابر طاعی باغی نیز به افراغ صبر محتاج است. بر همین اساس ساحرانی که با دریافت اعجاز موسای کلیم موحد شدند و به نبوت آن حضرت ایمان آوردند، در برابر تهدید توان‌فرسای فرعون که گفته بود: «لَأَقْطَعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ»،^۲ چنین گفتند: «رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَتَوَفَّنَا مُسْلِمِينَ»^۳ و سرانجام شهید شدند؛^۴ شهادتی که یک پیروزی بزرگ نیز بود و سبب شکستن ابهت فرعون شد.

شکست سپاه جالوت نیز در سایه دعا، صبر، پایداری و درخواست خالصانه کمک از خدای متعال، بسیار ناباورانه اتفاق افتاد. در سپاه طالوت نیز جوانی مؤمن و مورد عنایت خدای متعال بود که «داوود» نام داشت. او اهل رابطه با خدا بود. همین داوود که جوانی کم‌سن و سال ولی نیرومند و شجاع بود، جالوت را کشت: «وَقَتَلَ دَاوُدُ جَالُوتَ».^۵ وقتی خدا بخواهد مردمی را پیروز کند، با ساده‌ترین ابزار انجام می‌دهد. داود با فلاخنی که در دست داشت، یکی - دو سنگ را چنان ماهرانه پرتاب کرد که درست بر پیشانی و سر جالوت کوبیده شد و در آن فرو رفت؛ او فریادی کشید و افتاد؛ از این‌رو ترس و وحشت تمام سپاه او را فراگرفت و به سرعت فرار کردند. گویا خداوند می‌خواست قدرت خویش را در اینجا نشان دهد که چگونه پادشاهی با آن عظمت و لشکری انبوه به وسیله نوجوان تازه به میدان آمده‌ای، آن هم با یک سلاح ظاهراً بی‌ارزش از پای درمی‌آید.^۶

بنابراین وقتی مردمی مطیع رهبر خود باشند، گرچه جمعیتشان اندک باشد، اما رابطه با خدا را فراموش نکنند و از سه فضیلت مهم و راهبردی یعنی سکینه، صبر و ثبات‌قدم بهره‌مند شوند، همه اجزای عالم به یاری آنان می‌آیند. مولوی در این باره سروده است:

۱. همان، ص ۶۹۶-۶۹۷.

۲. اعراف: ۱۲۴.

۳. اعراف: ۱۲۶.

۴. عبدالله جوادی آملی، تسنیم، ج ۱۱، ص ۶۹۶.

۵. بقره: ۲۵۱.

۶. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۲۴۶.

شرحی بر آیه شریفه «رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَثَبِّتْ أَدْمَانَنَا وَأَنْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ» ■ ۲۱۱

ما همه کورانِ اصلی بوده‌ایم	از تو ما صد گون عجایب دیده‌ایم
سنگ با تو در سخن آمد شهیر	کز برای غزو طالوتم بگیر
تو به سه سنگ و فلاخن آمدی	صد هزاران مرد را بر هم زدی
سنگ‌هایت صدهزاران پاره شد	هر یکی هر خصم را خون‌خواره شد ^۱

کتاب‌نامه

قرآن کریم.

۱. ابوداود، سلیمان بن اشعث، تفسیر الصافی، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، [بی‌تا].
۲. جوادی آملی، عبدالله، تسنیم، ج ۱۱، تنظیم: سعید بندعلی، قم: اسراء، ۱۳۹۷ ش.
۳. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم: مؤسسه آل‌البیت علیه السلام لإحياء التراث، ۱۳۶۷ ش.
۴. راغب اصفهانی، حسین، المفردات فی غریب القرآن، دمشق: دارالعلم الشامیه، ۱۴۱۲ ق.
۵. عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه، تفسیر نورالثقلین، تحقیق: سیدهاشم رسولی محلاتی، قم: اسماعیلیان، ۱۴۱۵ ق.
۶. طباطبائی، سیدمحمدحسین، سنن النبی، تهران: کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۷۸ ش.
۷. قمی، شیخ عباس، مفاتیح الجنان، دعای ابوحمزه ثمالی، قم: مکرر، [بی‌تا].
۸. مصطفوی، حسن، التحقيق، قم: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰ ش.
۹. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ ش.
۱۰. مولوی، مثنوی معنوی، دفتر سوم، نرم‌افزار گنجور، زیرنظر حمیدرضا محمدی، نسخه ۲/۸۷، dg.ganjoor.net.
۱۱. نوری، حسین، مستدرک الوسائل، قم: مؤسسه آل‌البیت علیه السلام لإحياء التراث، ۱۴۰۸ ق.

۱. مولوی، مثنوی معنوی، دفتر سوم، بخش ۱۱۵.